

اوستاحمد آرایشگری
رادر نو جوانی از پشت
شیشه پنجره یاد گرفت

آقای ذاتا آرایشگر



۲ روی خوش به کرونا

۷ خوداشتغالی در دوران کرونا

عمو مدرسی و خاله منیره برای احیای سوزن دوزی و اشتغال زنان
در یکی از روستاهای اطراف مشهد آستین بالا زده‌اند

«پیرادوج» هنر بلوچ

۵۰۴



کرونا همچنان قربانی می گیرد ولی برخی مردم بی توجه به آن در پارک ها حضور دارند

روی خوش به کرونا

اراضی رها شده در خیابان توس ۶۹ بالای جان اهالی است

چالش زمین های قولنامه ای



حسین برادران فرادر هفته گذشته چند نفر از اهالی ساکن در خیابان توس ۶۹ با ماماس گرفتند و از رها شده و بلا تکلیف در محدوده کوچه های نبی پور ۱۱ و ۱۳ مشکلاتی که به وجود آمده است گفتند. برای اینکه از نزدیک با این مشکل آشنا شویم به این محل رفتیم و پایی صحبت های اهالی نشستیم.

هزینه سنگین مجوزهای ساخت و ساز

حسن بابایی از ساکنان محدوده خیابان توس در این باره می گوید: توس ۶۹ در مرز ۲ محله مشهد قلی و نوده قرار دارد، کوچه های زوج این خیابان که شامل نبی پور ۶، ۸ و ۱۰ است، سال ها قبل ساخت و ساز هایش انجام شده است. اما در کوچه های فرد خیابان، ساخت و ساز ها پیشرفت چندانی نداشته است و به جز محدوده شهرک آیتا... سیستمی و ساخت و ساز هایی که در دوسه کوچه دیگر انجام شده است، زمین ها رها شده اند. این مورد در محدوده نبی پور ۱۱ تا ۱۳ مشاهده شدنی است.

محل زباله و نخاله های ساختمانی

ناصر چنگیزیان از دیگر ساکنان محل بان نشان دادن زباله ها و نخاله های رها شده در محل می گوید: بیشتر زمین های بین نبی پور ۱۱ و ۱۳ پر از آشغال و زباله های ساختمانی است. کامیون ها زباله ها و نخاله های ساختمانی را هنگام شب و در زمان غفلت مأموران شهرداری، در این محل رها کرده و متواری می شوند. یکی دومرتبه هم که ما به این کار اعتراض کردیم، فایده ای نداشت و از طرف کامیون داران تهدید شدیم.

احداث فضای سبز و زمین ورزشی

علی شفیعانی بان نشان دادن بچه هایی که در حال بازی در زمین های سنگلاخی اطراف هستند می گوید: فوتبال تنها دلبخوشی بچه های این محله است. زمین فوتبال این بچه ها همین زمین های رها شده و پر از سنگلاخ، شیشه و زباله است. بسیاری از این بچه ها بعد از دوساعت بازی فوتبال، بادست و پای زخمی و خونی به خانه می روند، چون جای دیگری برای بازی و ورزش ندارند. استفاده از یک زمین ورزشی و فضای سبز نهایت آرزوی این بچه های معصوم است. خانواده ها این توقع را از شهرداری دارند که قطعه زمینی را به ساخت فضای سبز و زمین ورزشی اختصاص دهد.

زمین های قولنامه ای و غیر مجاز

معاون فنی و اجرایی منطقه در پاسخ به این مشکل می گوید: اراضی مورد نظر واقع در توس ۶۹ بین نبی پور ۱۱ و ۱۳ به مساحت تقریبی ۳ هکتار داخل محدوده شهری و بدون طرح، کاربری و کد نوسازی است. محسن قره خانی افزود: این اراضی قولنامه ای و غیر مجاز تفکیک شده اند که طبق اعلام نظر مشاور طرح تفصیلی، نیاز به تهیه طرح تفکیکی بر اساس طرح تفصیلی و اصول شهرسازی توسط مالکان دارد. علاوه بر این مالکان باید به شهرداری برای پیگیری های بعدی از قبیل کاربری و... درخواست بدهند. در صورت ارائه درخواست شهروندان و تهیه طرح تفکیکی، سرانه خدمات شامل فضای سبز، زمین ورزشی و... نیز پیش بینی خواهد شد.



صد او سی مامادام آمار قربانیان کرونا را از برنویس می کند. ستاد کرونا نیز از مردم می خواهد پروتکل ها را رعایت کنند تا دوباره درگیر وضعیت قرمز نشویم. هنوز آمار کشته شدگان این بیماری در ایران ۳ رقمی است. با این حال هنوز برخی شهروندان با رعایت نکردن دستورالعمل های بهداشتی به مشکلات موجود دامن می زنند. اگرچه در وضعیت قرمز قرار نداریم اما خطر و روبرو به این شرایط چندان دور از ذهن نیست. در این گزارش با مردمی هم کلام شدیم که در پارک ها حضور دارند.

اگر شرایط خطرناک بود پارک ها را می بستند

دستی به سبیل های پریشتم می کشد. دود سیگار را با ولع می بلعد. روی نیمکت پارک خطی هدایت لم داده و به عبور خود و هانگه می کشد. خودش را حسن حاجی بیگی معرفی می کند و می گوید: اگر شرایط وخیم بود که پارک ها را می بستند. اگر باز است یعنی آن طور ها هم می گویند وضعیت بد نیست. او که به تازگی باز نشست شده معتقد است با پارک آمدن کسی کرونا نمی گیرد چون در فضای باز نفس می کشد، پس ویروس تهدیدش نمی کند.

فقط به خاطر بچه ها

فاطمه پاینده دو پسر ۸ و ۶ ساله دارد و در خیابان هدایت ساکن است. او دلیل حضورش در پارک را این طور توجیه می کند: بچه هایم آن قدر در پارتمان این طرف و آن طرف می دوند که صدای همسایه ها هم درآمده است. عصر که می شود مجبور می شوم آن ها را به پارک بیاورم تا کمی بازی کنند و انرژی شان تخلیه شود. پسر بچه اند و باز یگوش. این زن خانه دار تایید می کند که اگر پروتکل ها را رعایت نکنیم دوباره به روزهای سخت کرونایی برمی گردیم اما از شرایط موجود خسته شده است و بچه ها امانش را بریده اند.

تفریح دیگری نداریم

از کتاب های همراهان معلوم است که دبیرستانی هستند. ۳ پسر جوان روی نیمکت های آلاچیق وسط پارک نشستند و گاه و بی گاه شلیک خنده شان به هوای رود. یکی از آن ها که خودش را رضا قاسم زاده معرفی می کند می گوید: من و ۲ دوست دیگرم در مدرسه دوستان صمیمی بودیم. با شروع کرونا و آنلاین شدن تدریس خیلی دیر به دیر همدیگر را می بینیم. الان که وقت امتحان است به پارک می آییم تا هم دیداری تازه کنیم و هم درس بخوانیم. راستش تفریح دیگری هم نداریم. واقعاً حوصله مان سر می رود. دوست رضا با خنده به میان صحبت هایش می دود و می گوید: خانم، به این دوست ماتذکر بدهید که ماسک بزنند. از بس به او گفتم زانم مودر آورد. دوباره صدای خنده شان فضای پارک را پر می کند.

لج بازی شهروندان قانون گریز

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۲ در این باره می گوید: هر هفته دور لوازم بازی و ورزشی را با انوار آبی می پوشانیم اما باز هم در برخی پارک ها شاهد حضور مردم هستیم. به همین دلیل مدام صدای ها و سطل های زباله و... را ضد عفونی می کنیم. سعید مکی ادامه می دهد: محدودیت ها برای حفظ جان مردم و خانواده شان است اما متأسفانه مردم رعایت نمی کنند. حتی در مواردی مشاهده شده است که برخی شهروندان به تذکرات محترمانه و ملتمسانه مأموران حاضر در بوستان ها، اعتنایی نکرده و حتی با مأموران مادر گیر شده و پر خاشگری کرده اند. این کار دلیلی جز لجبازی و قانون گریزی ندارد. ما برای اینکه بتوانیم به سلامت از این بحران عبور کنیم، باید قوانین و محدودیت ها را رعایت کنیم و گر نه شاهد روزهای سخت تر و مرگ آور تر خواهیم بود.

منطقه ۱

ترویج رسم رضوی در دهه کرامت

برنامه‌های دهه کرامت با هدف ترویج رسم رضوی در فرهنگ سرای انتظار در حال برگزاری است. به گزارش شهرآرامجله، حسین نقابت مدیر فرهنگ سرای انتظار با اعلام این مطلب بیان کرد: هر ساله با شروع دهه کرامت برنامه‌های مختلفی برگزار می‌شود امسال نیز با توجه به کرونا برنامه‌ها با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی اجرایی می‌شود. با این حال می‌کوشیم کرونا بر کیفیت برگزاری برنامه‌ها تأثیر منفی نداشته باشد.

● تأثیر عروسی در حاشیه شهر

اوبه تأثیرگذاری تأثیر در آموزش اشاره کرد و گفت: تأثیر عروسی «کبوتران حرم» با موضوع امام رضا (ع) همراه با مسابقه در یک خودرو بسیار در محلات مشهد و حاشیه شهر برگزار می‌شود. نقابت درباره برنامه‌های این دهه بیان کرد: به منظور گرامی‌داشت ولادت حضرت معصومه (س) مسابقه مادر و دختر به طور مجازی در سه بخش آشپزی و کیک، کار دستی و بازی اجرا شد. در این راستا دختران و مادرانشان به اتفاق یکدیگر نماهنگ یک دقیقه‌ای در یکی از بخش‌های مورد نظر اجرا کردند.

او ادامه داد: به مناسبت روز دختر جشن «دختران شهر آفتاب» برگزار شد و در آن از منتخب‌های مسابقه و گروه ورزشی دختران نگین هشتم، دختران شهدا (با همکاری فرهنگ سرای شهید قاسم سلیمانی) و دختران فرهیخته زیر پوشش کمیته امداد به همراه مادرانش قدردانی شد. نقابت تقدیر از خیران محلی با عنوان «همسایه کریم» را برنامه دیگر این دهه برشمرد و در ادامه گفت: در حال حاضر مسابقه کتاب خوانی رضوان در دو بخش کودک و بزرگسال برگزار می‌شود. در بخش کودک کتاب «فاطمه و فاطمه» از سید محمد مهاجرانی در قالب صوتی و در بخش بزرگسال کتاب فصل فیروزه از محبوبه زارع به شکل مجازی و حضوری ارائه شده است. او خاطرنشان کرد: هدف از اجرای این برنامه‌ها آموزش و ترویج رسم رضوی است و تأکید ما بیشتر بر خانواده است. /

منطقه ۲

اخطار به انبارهای ضایعات

شهردار منطقه ۲ مشهد گفت: ۴۰ باب انبار ضایعات با هدف رسیدگی به درخواست‌های مردمی و کاهش مشکلات در منطقه ۲ پلمپ و ۱۱ اخطار به صادر شد. حجت‌فرقانی افزود: همچنین یک تن و ۶۶ کیلوگرم ضایعات از انبارها و زباله‌گردانان منطقه جمع‌آوری شده است. او تصریح کرد در آمد حاصل از اجازت یافت کنندگان غیرمجاز به سازمان مپ ۱۰۶ میلیون و ۷۵۲ هزار و ۹۳۰ ریال بود. /

پاک‌سازی کال‌های منطقه

در هفته گذشته ۲۲ هزار مترمربع از کال‌های منطقه ۲ پاک‌سازی و لای روبی شد. این روند با توجه به ضرورت‌های بهداشتی و زیست محیطی تا پایان سال استمرار خواهد داشت. از آنجا که برخی شهروندان در کال‌ها فاضلاب خانگی‌شان را رها می‌کنند و بعضی افراد نیز خاک و نخاله‌ی زباله‌هایشان را تخلیه می‌کنند این امر باعث برهم خوردن بهداشت عمومی می‌شود. /

شناسایی مشاغل مزاحم

در بازدید از مشاغل منطقه ۱۱۰ مورد از این موارد توسط کارشناسان بند ۲۰ مزاحم شناخته شدند و اخطار گرفتند. کارشناسان بند ۲۰ در منطقه مدام در حال بازدید از مشاغل مختلف هستند تا سروصدایا سد معبرشان برای مردم ایجاد مزاحمت نکند. در این راستا ۴۹ مورد صدور اخطار اولیه بند ۲۰ انجام شده است و از این تعداد ۱۶ رأی بدوی صادر شده است. /

جمع‌آوری ۴۳۵ زباله گرد

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ گفت: ۴۳۵ زباله گرد از معابر منطقه جمع‌آوری شده‌اند. محسن قره‌خانی افزود: وزن ضایعات جمع‌آوری شده از کوله‌پشتی‌ها و زباله‌گرد‌ها و انبارهای ضایعات یک تن و ۶۶ کیلوگرم بوده که به سازمان مپ تحویل داده شد. او ادامه داد: زباله‌گرد‌ها با نازیبی کردن منظر شهری و آلودگی معابر باعث ایجاد نارضایتی شهروندان می‌شوند. /

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲

خبر داد

بهبود وضعیت پیاده‌رو و سواره‌رو



خاطر همستی یکی از مدیران شهری در نشستی می‌گفت همه توجه مدیریت شهری در کلان شهرها به خیابان‌ها است. این در حالی است که افراد پیاده هم از معابر سهم دارند. شاید تغییر نگاه در مدیریت شهری باعث شد نهضت پیاده و روسازی طی ۸ سال گذشته در مشهد با قوت شروع به کار کند. در منطقه ۲ مشهد نیز این روند چشمگیر بوده است. معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ از اجرای پروژه بهسازی پیاده‌رو و بولوار ابوطالب خبر داد.

محسن قره‌خانی افزود: در راستای مناسب‌سازی و سامان‌دهی معابر منطقه، عملیات بهسازی بولوار ابوطالب ضلع غربی حد فاصل میدان ابوطالب تا تقاطع عبدالملک به مساحت ۴ هزار مترمربع انجام می‌شود. این اقدام با هدف افزایش رفاه شهروندان و مناسب‌سازی محیط شهری در حال انجام است. او افزود: سامان‌دهی وضعیت معابر یکی از مهم‌ترین وظایف شهرداری‌ها محسوب می‌شود و بولوار ابوطالب با قرارگیری در مرکز منطقه از پرت تردد ترین معابر شهر محسوب می‌شود

و از اهمیت زیادی برخوردار است. قره‌خانی به راسته بازار کاشی و سرامیک و بازار طلا در این محدوده اشاره کرد و گفت: وجود این راسته بازارها به حضور مردم در آن افزوده است. معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ ادامه داد: اجرای این پروژه با هدف مناسب‌سازی پیاده‌روهای پرت تردد منطقه و ایجاد مسیر ویژه توان‌یابان و نابینایان عزیز با همت بی‌وقفه در اولویت اقدام همکاران اجرایی این منطقه قرار گرفت و با اعتباری بالغ بر ۴۰ میلیارد ریال در حال اجراست. معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲

در ادامه از اجرای پروژه‌های حادثه معبر سواره‌رو و خیابان طرحی (خین عرب) این منطقه خبر داد. قره‌خانی با بیان این خبر گفت: این پروژه به مساحت ۷ هزار مترمربع شامل پیاده‌رو سازی و اجرای مسیر دوچرخه‌سازان طرحی ۸ تا ۱۸ با اعتباری ۴۵ میلیارد ریالی در حال اجراست. او بیان کرد: مناسب‌سازی فضاهای شهری یکی از موضوعات اساسی است که از جهات مختلف اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی در زندگی شهروندان تأثیر مهم نقش برجسته‌ای دارد. /

پروژه گرافیک

ورود آقایان ممنوع



بوستان حجاب

بولوار هدایت (تقاطع موسوی قوچانی و هدایت)

سال ۱۳۸۵

پارک حجاب با مساحت ۱۰ هکتار، به عنوان اولین پارک اختصاصی بانوان در مشهد به بهره‌برداری رسید. فضای سبز این بوستان شامل چمن، درخت و پرچین و... ۴۰ هکتار است. بوستان حجاب دارای فنس‌های ورزشی و بازی شامل ۲ هزار مترمربع فنس اسکیت، ۶۲۵ مترمربع فنس والیبال، ۷۸۴ مترمربع فنس فوتبال و ۴۴۸ مترمربع والیبال ساحلی است. ۷ دست‌دستگاه بدن‌سازی و دو مجموعه وسیله بازی کودکان پلی اتیلن از دیگر امکانات این پارک است. بوستان از ساعت ۵ تا ۱۴ اختصاص به بانوان داشته و از ساعت ۱۴ تا ۲۴ برای استفاده عموم از فضای سبز بوستان به صورت خانوادگی است.

تکتم حیدریان یکی از بانوان ساکن منطقه است که هر هفته به این پارک رفت و آمد دارد. او درباره پارک حجاب می‌گوید: این پارک یکی از امکانات مطلوب برای بانوان است. اما یک ایراد اساسی هم دارد. او ادامه می‌دهد: پارک حجاب ویژه بانوان است اما از همه‌آرام‌ها و اطراف به پارک اشراف وجود دارد. این یعنی بانوان در ساعت مختص به خودشان هم راحت نیستند و هنگام ورزش باید مدام نگران حجابشان باشند.

ایراد دیگری که این شهروند به آن اشاره می‌کند حضور کارگران فضای سبز در پارک است که بیشترشان مرد هستند و باز هم در ساعت مخصوص به بانوان حضورشان در پارک توجیهی ندارد.



عمو مدرسی و خاله منیره برای احیای سوزن دوزی و اشتغال زنان در یکی از روستاهای اطراف مشهد آستین بالا زده‌اند

«پیرادوچ» هنر بلوچ

منطقه

1

نعمه زمانی از زمانی که چشمان زنان بلوچ را دیدند و غم نهفته در نگاه‌هایشان را حس کردند، بیش از ۳ سال می‌گذرد. اندوه چشم‌ها از همان دیدارهای اول اثر کرد و دست از دل منیره خانم و محمود آقا برنداشت.

این زن و شوهر وقتی رندگاه یکی از این زن‌های کارگر بلوچی را زدند به روستایی در اطراف مشهد رسیدند. خانه زن، خانه نبود. یک چهار دیواری بود با چهار تا خرت و پرت؛ بی هیچ وسیله و امکاناتی برای زندگی. زن باردار بود و چند بچه دیگر توی دست و بالش بودند و پدری که نبود. در زندان بود.

منیره خانم و محمود آقا کمی که در روستا کنکاش کردند متوجه شدند بسیاری دیگر از زنان روستا گرفتار قصه‌های این چنینی هستند. فقر بیداد می‌کند و کودکان روستا بخت بلندی ندارند. نبود امکانات بهداشتی تحمل کردنی نبود. این روستا بلوچ نشین بودند. خانواده‌ها از سیستان و بلوچستان کوچ کرده بودند و منیره خانم و محمود آقا برای آن‌ها غریبه قلمداد می‌شدند.

حالا بعد از گذشت بیش از ۳ سال، محمود مدرس تربیتی و همسرش منیره سلیم آرونی، برای بچه‌های روستا عمو مدرسی و خاله منیر شده‌اند. این زوج که ساکن محله کوی دکتر اهستند در این چند سال تمام هم و غمشان را برای رفع مشکلات اجتماعی، بهداشتی و معیشتی مردمان این روستا گذاشته‌اند و حتی برای زنان و مردان آنجا با احیای هنر سوزن دوزی بلوچ خراسانی اشتغال زایی کرده‌اند. گفت و گوی ما با آن‌ها برای شنیدن شرح گذرایی از اتفاقات این چند ساله است که بوی مهربانی می‌دهد.

● همه چیز از گلخانه شروع شد

همه چیز در زندگی محمود آقا و همسرش به پس از بازنشستگی او از دانشگاه آزاد در سال ۹۶ برمی‌گردد. همان زمان که محمود آقا به اتفاق همسر تصمیم می‌گیرند گلخانه پدری خانم را در خارج از شهر با سازی کنند. همین امر این خانواده را در مسیری تلخ اما متفاوت قرار می‌دهد. منیره خانم می‌گوید: «باز سازی گلخانه سبب آشنایی ما با کارگران زن شد که بلوچ بودند. وقتی به صورت این بانوان دقیق نگاه کردم متوجه غم چشمانشان شدم. بنابراین با خانواده تصمیم گرفتیم به این قشر از کارگران کمک کنیم. آدرس یکی از آن‌ها را گرفته و سابلی تهیه کردیم و به روستایشان در اطراف مشهد رفتیم. در خانه مورد نظر نهی خچال بود و نه وسیله‌ای دیگر. آن زن دوفرزند داشت و باردار بود. همسرش نیز در زندان به سر می‌برد. دختر عمویم که کیل بود و کالت همسر به زندان افتاده به عهده گرفت و تحصیل بچه‌ها را پیگیری کردیم.» شرایط روستا تنها برای این خانواده سخت نبوده و باقی خانوارها نیز با مشکلاتی درگیر بودند. آقا محمود نام روستا را برای حفظ کرامت ساکنان آن به زبان نمی‌آورد. او ادامه می‌دهد: «در اطراف مشهد از این نوع روستا که ساکنان بلوچ نشین دارد کم نیستند. وقتی به روستای مورد نظر رفتیم فهمیدیم بسیاری از خانم‌های ۱۴ تا ۲۵ سال آن قدر دندانه‌های پوسیده‌شان را کشیده‌اند که دندان در دهان ندارند. مادران تغذیه مناسبی ندارند که

بسیاری
از خانم‌های
۱۴ تا ۲۵ سال
آن قدر
دندان‌های
پوسیده‌شان را
کشیده‌اند که
دندان در دهان
ندارند

دورهمی کتاب

چیزی که در خانه زیبای آن‌ها نگاه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند کتاب است. اینجا کتاب خوانی معنای دیگری دارد. خانم سلیم که علاقه‌اش به کتاب را از دوران کودکی به همراه دارد، توضیح می‌دهد: «از دوران دبستان به خواندن و نوشتن علاقه داشتم. زمان انقلاب نیز چند ماهی که مدارس تعطیل شد به خواندن کتاب گذراندم. سال ۷۸ با کمک دختر عمویم تصمیم گرفتیم بنیاد مادر و کودک ایجاد کرده و روی کتاب خوان کردن مادران جوان و فرزندان‌شان کار کنیم. آن زمان تشکیل ان‌جی‌وها به راحتی ممکن نبود و به همین دلیل بنیاد شکل گرفت. با این حال منجر به برگزاری کلاس‌های کتاب خوانی برای بانوان شد. این کلاس‌ها مخاطبان پیر و جوان بسیاری دارد و تاکنون ادامه داشته است. کلاس‌های محلی هم برگزار کرده‌ایم و همسایگان دور هم نشسته و کتاب خوانده‌ایم. در این کلاس‌ها از نویسندگان مختلف خارجی و ایرانی کتاب می‌خوانیم و به معرفی بزرگان ادب و هنر می‌پردازیم. حتی در برهه‌ای از بانوان موفق دانشگاه ادبیات، دندان پزشکی و ... دعوت کردیم.»

#اشتغال زایی زنان - بلوچ



کسی نداشته باشم نمی خواهم از آب و خاکت بهره ببرم. عشق همیشه جواب می دهد. اگر کاری موفق باشد به طور قطع عشق در آن وجود داشته است. رفتن به آنجا و حل مشکلاتشان را معجزه می دانم.»

مهاجرت به مشهد

محمود مدرس تربتی سال ۱۳۴۱ در روستای رودمعجن در شمال غرب تربت حیدریه به دنیا آمده است؛ او زندگی اش را این گونه مرور می کند: «دوران راهنمایی برای ادامه تحصیل مدتی در تربت حیدریه درس خواندم و پس از آن ۱۵ یا ۱۶ ساله بودم که به مشهد آمدم. دبیرم را که گرفتم انقلاب فرهنگی شده و دانشگاه ها نیز تعطیل شد. بنابراین باید به سر بازی می رفتم. بخشی از دوران خدمتم در مرزهای شرقی و بخشی هم در مرزهای غربی کشور گذشت.»

آقای مدرس پس از گذراندن سر بازی در رشته ریاضی دانشگاه بیرجند مشغول به تحصیل می شود اما آن را رها کرده و در صداوسیما مشغول به کار می شود. هم زمان در رشته فیزیک به ادامه تحصیل می پردازد و در همین دوره لیسانس در دانشگاه آزاد نیز استخدام می شود. او بعدها در آغاز دهه ۷۰ در مدارس غیرانتفاعی مشغول به کار می شود.

تجربه حاشیه شهر

آقای مدرس سال های ۷۶ تا ۸۶ مدیریت پیش دانشگاهی را به عهده داشته است و سال ۸۶ با یک پیشنهاد کاری مسیر دیگری را برمی گزیند. او توضیح می دهد: «سال ۸۶ به عنوان دبیر شورای منطقه ۹ سما مدیریت سمای استان را عهده دار شدم. سال ۸۹ متوجه شدم سیر جمعیتی برای ورود به مدارس ابتدایی بسیار است. به همین دلیل تمرکز خود را به این سمت بردم. نتیجه آن اجرای چند طرح شد که از آن می توان به طرح توسعه خلاقیت در مدارس سمای استان، کلاس فلسفه کودکان، راه اندازی جشنواره تجربه پژوهی نوین با هدف مستندسازی تجارب معلمان، برگزاری جشنواره فیزیک پژوهان جوان و جشنواره زمین پژوهان اشاره کرد. سال ۹۲ معاون دانشگاه آزاد مشهد و رئیس مرکز آموزش فرهنگی سمای مشهد شدم و دو سال این مسئولیت را به عهده داشتم. در این مدت مدرک فوق لیسانس در رشته فیزیک اتمی و مولکولی را گرفتم. پس از آن در مقطع دکترا در رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران قبول شدم و تا مرحله امتحان جامع هم پیش رفتم. سال ۹۵ مدیریت دفتر مطالعات و پژوهش های حاشیه نشینی به من سپرده شد. در این راستا تشکیلاتی برای دفتر طراحی و تصویب کرده و گروه هایی نیز برای تشکیلات پژوهشی دانشگاه آزاد سامان دهی کردیم. در این مدت بازدیدهای متفاوتی از حاشیه شهر داشتم. با تغییراتی که سال ۹۶ در ساختار دانشگاه ایجاد شد این فعالیت از ادامه بازماند و من هم سال ۹۶ بازنشسته شدم.»

زندگی مشترک

منیره سلیم آرونی سال ۱۳۴۷ در محله سعدآباد مشهد به دنیا آمده است. خود را این طور معرفی می کند: از کلاس دوم در محله کوی دکترا سکونت داریم. اصالت ما کاشانی است و در باغ فین کاشان نیز شجره نامه داریم. پدر بزرگ و مادر بزرگ من هر یک در سنین نوجوانی از کاشان به مشهد مهاجرت کردند و پدرم و خواهر و برادرانش در همین شهر به دنیا آمدند. در دانشگاه رشته شیمی قبول شدم اما در سال ۶۹ ازدواج کردم و پس از آن بچه دار شدم و تحصیل را رها کردم. سال ۷۵ دوباره وارد دانشگاه شدم و مدرک فوق دبیرم در رشته کامپیوتر را دریافت کردم.

پزشکان بیمارستان و داروخانه ارتباط گرفته ایم. ۴۰ شیرخوار در حوزه تهیه شیر خشک زیر پوشش قرار داده ایم برای بانوان و کودکان مکمل های دارویی و غذایی توزیع می شود. به آن ها آموختیم تا در مواقع اضطراری با اورژانس، آتش نشانی و نیروی انتظامی تماس بگیرند. در کنار ساخت خانه، ایزوگام، سیم کشی برق و لوله کشی همواره سعی کرده ایم آنچه را ایشان انجام می دهیم آموزش هم دهیم تا ماهیگیری را به آن ها آموخته باشیم. در حال حاضر یک روز در میان به آن ها سر می زنیم و ارتباط خوبی با آن ها برقرار کرده ایم. کودکان راهم تفریح می بریم و حس خوبی بین ما ایجاد شده است طوری که دلمان برایشان تنگ می شود.»

اشتغال زایی

فعالیت این خانواده تنه پله معیشت بهداشت تحصیل و مشاوره بسند نشده بلکه آن ها کاری ارزشمند تر هم انجام داده اند و آن اشتغال و کاریابی است. آقای مدرس بیان می کند: «این روستا حاشیه ای است و زمین کشاورزی ندارد. تنها سرمایه شان نیروی کار است و هر بچه ای را یک نیروی کار می بینند. صبح به صبح بین ۳۰ تا ۵۰ بچه بزرگسال برای کار سوار ماشین می شوند. کار با کاشت شروع می شود و باوچین و میوه چینی ادامه می یابد. اوایل فروردین کارشان شروع می شود و در آذرماه فصل کاری شان به پایان می رسد. بانوان کاشت، داشت و برداشت را انجام می دهند و ساختمان سازی، بنایی و آماده سازی زمین با آقایان است. همه نیروی کار هستند و کار آن ها فرسودگی می آورد. جمعیت آنجا ۱۱۰ تا ۱۵۰ نفر است و در فصل کار از جاهای دیگر هم می آیند. در کنار این مسائل بانوان در رشته سوزن دوزی هنرمند هستند و این ویژگی بارز آن هاست. بنابراین کارگاهی را در روستا اجاره کردیم. پارچه و نخ برایشان تهیه می کنیم. کار را پس از دوخت از آن ها می خریم. آن ها رنگ و طرح رایحه خوبی می شناسند. برندی هم برای این کار درست کرده ایم به نام پیرادوچ که از نام های خودشان است. پیرا به معنای زیبا و دوچ یعنی دوخت. لوگوی هم برایشان درست کردیم با عنوان سوزن دوزی بلوچ خراسان زیرادر اینجاندگی می کنند. ما مجوز سوزن دوزی و فرت بافی را گرفتیم که هر وسیله ای سخت و طولانی بود اما زمانی که خواستیم عرضه کنیم کرونا غافلگیرمان کرد. تصمیممان بر این بود که این روستا را به عنوان مرکز سوزن دوزی ثبت کنیم و حتی آنجا را به قطب گردشگری تبدیل کنیم. باین حال کرونا کار ما را دچار مشکل کرد و اکنون آثار بدون فروش مانده است.»

او ادامه می دهد: «کار دیگری که آقایان در آنجا انجام می دادند جمع آوری ضایعات پلاستیک مزارع و تحویل آن به کارگاه های بازیافت بود. بر این اساس کارگاه بازیافت ضایعات پلاستیک در نزدیکی روستا برایشان اجاره کردیم و حال خودشان تمام کار بازیافت را انجام می دهند.»

معجزه حل مشکلات

این زوج عامل موفقیتشان را باهم بودن می دانند و از نظرشان کار بدون دیگری ممکن نبوده است. هر دو اکنون با تمام سختی های کار حس و حال خوبی دارند و به قول محمود آقا کار اگر سخت نباشد از زشمند نیست. منیره خانم می گوید: «سال ها قبل به خدا گفته بودم اگر قرار است خاصیتی برای

بتوانند بنورآدان نشان شیر بدهند. کم خونی و بیماری های شایع غوغا می کند. بیشتر ساکنان شناسنامه ندارند. بچه ها نیز با انحراف چشم روبه روهستند و از تحصیل دور مانده اند. تنها آن هایی که شناسنامه دارند و والدینشان راضی هستند در مقطع چهارم و پنجم دبستان برای درس به روستای دیگری می روند که نزدیک به یک کیلومتر با محل زندگی شان فاصله دارد. ازدواج در سن کم و تعدد زوج هایه چشم می خورد. در این روستا فصل گرما آب ندارند و بهداشت به خوبی رعایت نمی شود. در بین جمعیت فقط ۵۰ خانواد هستند که سینک ظرف شویی دارند. باقی در حیاطشان منبع آب دارند که مملو از آلودگی است. زیاله ها جمع آوری و تفکیک نمی شود. کودکان سوء تغذیه دارند و باید از بچه های کوچک تر هم مراقبت کنند. ضمن اینکه وسیله بازی و تفریح هم ندارند. این روستا بدون درخت است. خانه های شان پنجره ندارند و در یک اتاق بدون پنجره با کمبود اکسیژن روبه روهستند.»

ارتباطی همیشگی

۳ سال می شود که از آشنایی این خانواده با آن ها می گذرد. اکنون محمود آقا عموی بچه هاست و منیره خانم، خاله آن ها. آقا محمود می گوید: «طبق گفته اهالی، سیل دهه های گذشته سیستان و بلوچستان منجر به مهاجرت عشایر و دامداران آنجا شده است. آن ها می گویند آن لحظه به این فکر نبودند که باید شناسنامه ایشان را هم با خود به همراه بیاورند. حالا آن خانواده ها تبدیل به چند خانواده شده اند که هیچ یک شناسنامه ندارند. این موضوع بر تحصیل آن ها هم بی اثر نبوده است. من و همسر من با برخی معلم ها صحبت کرده و در فصل غیر کاری (دی تا اسفند ماه) کلاس های سواد آموزی در مسجد برگزار کردیم. بنا بر این معلم ها را به روستا می بردیم و آن ها ۲ تا ۳ ساعت در ۳ مقطع تدریس می کردند. گروه اول کودکان ۷ تا ۱۲ سال (دختر ها در یک کلاس و پسر ها در یک کلاس)، گروه دوم آن هایی که شناسنامه نداشتند و گروه سوم افراد ۱۲ تا ۲۰ سال بودند. معلم ها وسایل لازم مانند تخته و نوشت افزار با خود می آوردند و برای تهیه کتاب نیز مجبور بودیم از دوستان و آشنایان کتاب بگیریم زیرا آموزش و پرورش روال خاص خودش را داشت و هزینه ها هم زیاد بود و برای دریافت کتاب از نهضت سواد آموزی نیز کم ملی نیاز بود. برای دانش آموزانی که برای تحصیل به روستای دیگر می رفتند با اداره آموزش و پرورش هماهنگ شد و یک مینی بوس تهیه کردیم. همچنین برای بانوان جلسات مشاوره برگزار شد. برای کمک رسانی آشنایان این خانواده هم پای کار آمده اند. منیره خانم در ادامه می گوید: «به لطف دوستان هر بار که به روستا می رویم وسایل ضروری را برایشان تهیه می کنیم. تاکنون لوازم خانگی بسیاری به آن ها اهدا شده است. در واقع هر آنچه باید انجام شود انجام می دهیم از تهیه مواد غذایی، هزینه تحصیل و سرویس مدرسه و تهیه جهیزیه گرفته تا هزینه تر کاعتیاد و تعمیرات خانه و وسایل آن. تاکنون ۷۲ عمل جراحی شامل زایمان، سنگ کلیه، کیسه صفرا، آب مروارید و... انجام شده است. انحراف چشم ۶ کودک نیز برطرف شده و برای برخی بانوان دندان مصنوعی گذاشته شده است. با



آرزوهای کوچک و بزرگ

سیر آرزوهای کودکان این روستا از یک توپ و خمیر بازی گرفته تا ساخت خانه و تهیه ماشین در جریان است. حتی چیزهای ساده ای که راحت از کنار آن می گذریم. مانند پیتزایی که آرزوی کودک بلوچی بود و بهانه ای شد تا او و دیگر کودکان روستا در جشن تولد پزشکی مهربان با گردش در کوهسنگی و خوردن پیتزا سهیم شوند و خاطره ای زیبا در یادشان ثبت شود. آقای مدرس می گوید: «همیشه به اهالی روستا می گویم هر آنچه می خواهید درخواست کنید آنکه باید گشایش کند خودش حل می کند. روزی کودکی به من گفت اسکوتر می خواهد. فردای آن روز یکی از دوستان چند وسیله برای کمک آورد با آنکه به او چیزی نگفته بودم اما در میان وسایل اسکوتر قرار داشت.»



ساخت بنای فرهنگی

این زوج با پیگیری بسیار از ورثه یکی از مالکان قدیمی روستای مجاور قطعه زمینی را به عنوان وقف گرفته اند تا بتوانند فضایی فرهنگی برای ساکنان آن روستا ایجاد کنند و اکنون به دلیل نداشتن پول کافی هنوز نتوانسته اند تصمیمشان را اجرا کنند. از طرف دیگر آن زمین خارج از بافت است و برای دریافت مجوزهای لازم برای ساختمان سازی با مشکلاتی رو به روهستند. باین حال این خانواده در حال پیگیری برای به وقوع پیوستن این اتفاق هستند و از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد تا این گونه بتوانند لبخند مردم و کودکان آنجا را بر لبانشان بنشانند.

اوستا حمید آرایشگری رادر نو جوانی از پشت شیشه پنجره یاد گرفت

آقای ذاتا آرایشگر



با نارا حتی گفت: تو شاگردی نکرده چطور آرایشگر شدی. به او گفتیم: اگر موهایت را بد کوتاه کردم، پول آرایشگاه رفتنت را خودم می‌دهم. با وجود نارضایتی با پا در میانی مادر من روی صند و قهقهه خانه نشست، قیچی و شانه را به دست گرفتم و موهای سر پدرم را کوتاه کردم. اصلاح سر که تمام شد، صورتش را در آینه قدی خانه نگاه کرد و لبخندی از سر رضایت زد. خیلی خوشحال شده بودم، بعد ها سر بیشتر اقوام و خویشان را رایگان کوتاه می‌کردم. هر وقت که از کنار مغازه آرایشگر روستا عبور می‌کردم، آرایشگر با چشم غره و ناراحتی زیر لب فحشی نثار می‌کرد.

انصاف و همراهی با مشتری

عشق و علاقه به آرایشگری در وجود اوستا حمید باقی ماند، اما موقعیت اینکه مغازه آرایشگری داشته باشد به وجود نیامد. بعد از ازدواج به مشهد و محله نوده آمد و به فکر راه اندازی مغازه آرایشگری افتاد: «بعد از گذراندن کلاس‌های آموزش آرایشگری، مدرک و جواز شغل آرایشگری را از مرکز فنی و حرفه‌ای مشهد دریافت کردم. مغازه کوچکی را در محله نوده اجاره کردم، لوازم و وسایل لازم برای آرایشگری را تهیه و کارم را شروع کردم. سال هاست که در همین مغازه کوچک اجاره‌ای آرایشگری می‌کنم. با وجود راه اندازی چند آرایشگاه شیک و مجهز در سال‌های اخیر در محله، مشتری‌های خودم را دارم و کسانی هستند که مسیر چند کیلومتری را از بالای محله طی می‌کنند و به مغازه‌ام می‌آیند تا من موهای سرشان را کوتاه کنم.»

پول با برکت

یکی از ویژگی‌های اوستا حمید آرایشگر در کنار

حسین برادران فرا بر خلاف همه مغازه‌های شیک و پر زرق و برق آرایشگری که در حاشیه بولوار نجف (محله نوده) قرار دارند، آرایشگاه اوستا حمید، ظاهری ساده و معمولی دارد. شاید به همین دلیل رونق و مشتری سال‌های گذشته را نداشته باشد. اما اواز آرایشگران ماهر، با تجربه خوش نام‌اواز همه مهم‌تر با انصاف محله است و این خوش نامی را با هیچ چیزی عوض نمی‌کند.

در نو جوانی آرایشگر خانواده بودم

حمید غریب متولد ۱۳۵۶ است و از نو جوانی به شغل آرایشگری علاقه داشته است. قصه علاقه مندی اش را این طور تعریف می‌کند: آرایشگر روستای ما مرد میانسالی بود که برخلاف دیگر اهالی روستا که لباس‌های خاکی و کهنه‌ای به تن داشتند، لباس‌های نو و اتو کرده‌ای می‌پوشید. به دلیل همین علاقه هر روز بعد از آمدن از مدرسه به مغازه آرایشگری (که آن زمان مغازه سلمانی می‌گفتند) می‌رفتم و از پشت پنجره به حرکات دست استاد سلمانی که با قیچی و شانه موهای ژولیده و پریشان اهالی روستا را کوتاه می‌کرد نگاه می‌کردم. استاد آرایشگر گاهی که متوجه چشمان کنج‌کا و من در پشت پنجره مغازه اش می‌شد، با غرولند و ناراحتی از پشت پنجره دور می‌کرد. بارها از او خواستم که آرایشگری رایا دم بدهد، اما قبول نکرد. حتی راضی نشد داخل مغازه بنشینم و نگاهش کنم.

اولین تجربه آرایشگری

او در باره اولین تجربه آرایشگری اش می‌گوید: ۱۲ یا ۱۳ ساله بودم که اولین آرایشگری ام را انجام دادم. یک روز پدرم قصد رفتن به آرایشگاه روستا را داشت. از او خواستم که موهای سرش را اصلاح کنم. پدرم

درآمد زیادی برکت است.

او ادامه می‌دهد: به کارم علاقه دارم و از اینکه به ظاهر مردم زیبایی هدیه می‌کنم خوشحالم. برای همین به کم قانع هستم. همین که محتاج کسی نشوم کافی است. حمید آقا جاروی کنار مغازه را برمی‌دارد و آرام آرام موهای ریز روی زمین را جارو می‌زند. مشتری تازه وارد پیرمردی است که با دقت به حرف‌های اوستا و من گوش می‌کند. اوستا با لبخند از مشتری می‌خواهد روی صندلی بنشیند. من اما محو تماشا می‌شوم.

مهارت و سابقه با انصاف بودنش است. او در این باره می‌گوید: در طول این سال‌ها همیشه بر اساس وسع و توان مشتری دستمزد گرفته‌ام. در محله نوده به ویژه (نوده پایین) قسمتی که ما هستیم، خانواده‌های ضعیف و فقیر زیادی ساکن هستند. مشتری‌های زیادی داشته‌ام که بعد از اصلاح پول نداده بیرون رفته‌اند و یا پول اندکی را که در دست داشته‌اند، روی میز گذاشته‌اند و از مغازه خارج شده‌اند. همراهی با مشتری‌های ضعیف به ویژه در این روزهای سخت کرونایی واجب است. دستمزد کم با برکت بهتر از

مو در ماشین اصلاح گیر می‌کرد

به گفته اوستا در گذشته ماشین اصلاح‌ها دستی بود و برای اصلاح بهتر موی سر همیشه نیازمند روغن کاری و تعویض تیغه‌های آن بود.

آن‌طور که این آرایشگر می‌گوید ماشین‌های اصلاح قدیمی کیفیت چندانی نداشت و گاهی موی مشتری در آن گیر می‌کرد. اما چند سالی است که ماشین‌های دستی از رده خارج شده‌اند و ماشین‌های اصلاح برقی در انواع و اقسام برندها مورد استفاده آرایشگران است. برای اصلاح موهای صورت (ریش و سبیل) که امکان استفاده از قیچی و شانه نیست از ماشین اصلاح استفاده می‌شود. سشوار وسیله جدیدی در آرایشگری است که برای خشک کردن موی سر استفاده می‌شود. در گذشته این کار توسط حوله‌های خشک انجام می‌شد.

قیچی و شانه از دیروز تا امروز

آن‌طور که اوستا حمید می‌گوید قیچی و شانه دو وسیله اصلی در شغل آرایشگری هستند. این دو ابزار از گذشته‌های دور تا کنون تقریباً بدون هیچ تغییری باقی مانده و فقط جنسشان تغییر کرده است. در گذشته شانه‌هایی از چوب و عاج ساخته می‌شدند. قیچی‌ها نیز از جنس مس، برنج، آهن و استیل بودند. آرایشگری که بتواند موی سری را منظم و در کمترین زمان اصلاح کند بهترین است. در شغل آرایشگری قیچی انواع متفاوتی دارد، چون تکنیک اصلاح و آرایش مو رابطه مستقیمی با نوع قیچی دارد. قیچی نامناسب سبب آزار و کندی کار آرایشگر می‌شود. قیچی‌های کوچک بین اندازه‌های چهار و نیم تا پنج و نیم اینچ حالت دقیق تری از برش مو می‌دهند، در حالی که اندازه‌های بیشتر از ۶ اینچ برای حالت‌های تکنیکی تر مانند مدل قیچی روی شانه و برش‌های اساسی استفاده می‌شوند.

کم
با برکت بهتر
از درآمد زیاد
بی برکت
است



نوجوان ورزشکار محله نوده مدال طلای کاراته استان را در کارنامه دارد

صبوری، هدیه ورزش کردن



امید محله

حسین برادران فرزند نورو بود مرد راراستی/ از سستی کژی زاید و کاستی این شعر زیبای حکیم توس، تأییدی بر تأثیرات مثبت ورزش و ورزش کردن است. محمد متین پرهیزگار، نوجوان موفق محله (نوده) از دانش آموزان موفق در عرصه درس و ورزش است. او ورزش را عامل موفقیت در درس ها و رفتارش می داند.

● کسب مدال طلای مسابقات استان

محمد متین پرهیزگار متولد سال ۱۳۸۶ در محله (کوشک مهدی) است. او در حال حاضر در کلاس هفتم دبستان نمونه دولتی شهید مطهری کوی امیرالمؤمنین مشغول به تحصیل است. محمد متین مثل بیشتر بچه های هم سن و سالش از کودکی به ورزش فوتبال علاقه زیادی داشت اما نبود امکانات فوتبالی در محله باعث شد سمت وسوی علاقهش هم تغییر کند. خودش می گوید: «فقط زمانی که در مدرسه بودم در زمین ورزشی مدرسه فوتبال بازی می کردم. اما در محله زمین بازی مناسبی نبود.»

۸ ساله بوده که به همراه پدرش به مسجد محله شان می رود و به طور اتفاقی متوجه می شود که در زیر زمین مسجد باشگاه کاراته قرار دارد: «تعدادی از بچه های محله مشغول تمرین بودند. از پدرم خواستم که اسبم را در باشگاه ثبت نام کند. در روزهای اول علاقه چندانی به تمرینات استاد نداشتم و حتی می خواستم ورزش کاراته را کنار بگذارم. اما به تدریج این علاقه ایجاد شد و تحت تعلیمات استادم شیپان حسین غلامی بعد از چند ماه تمرین مداوم و سخت و شکست دادن چند حریف در مسابقات باشگاهی، سال ۱۳۹۸ در اولین مسابقات استانی کاراته (جام رمضان) حاضر شدم. این مسابقات در مشهد برگزار شد و من بعد از شکست چند نفر از حریفان مدال طلای این مسابقات را به دست آوردم.»

نوجوان ورزشکار محله تا به امروز ۵ مقام قهرمانی کاراته (سبک دبلیو کی بی) مسابقات استانی و یک مقام دومی استان را کسب کرده و به عنوان یکی از گزینه های اصلی برای حضور در مسابقات کشوری کاراته معرفی شده است. اما شیوع کرونا باعث می شود مسابقات به تعویق بیفتد. اما نوجوان موفق محله در این شرایط هم به تمرین مشغول است تا پس از پایان این دوره به مسابقات برگردد.

● تقویت درسی و اخلاقی

اومی گوید: از ۶ سال قبل که ورزش کاراته را به طور حرفه ای شروع کردم، در کنار تقویت جسمانی تحت تعلیمات اخلاقی و پند و اندرزهای استادم شیپان حسین غلامی که به عنوان بخشی از تمرینات ورزشی کاراته همواره بر آن تأکید دارند، روحیه صبوری و آرامش در من تقویت شده است. درس هایم را با دقت و تمرکز بیشتری می خوانم در فعالیت های درسی و علمی مدرسه نیز حضور دارم و موفقیت هایی نیز داشته ام. از لحاظ رفتاری و اخلاقی نیز کنترل بیشتری بر روی رفتارم دارم. اگر در گذشته با کوچک ترین مخالفتی عصبانی و ناراحت می شدم. حالا بدون حساسیت از کنار خیلی چیزها می گذرم.

کرونا زندگی

پیشنهاد بسیج و شورای اجتماعی محله سعدآباد برای توانمندسازی زنان بی بضاعت

خوداشتغالی در دوران کرونا



زمانی انما پنده

مساجد شورای اجتماعی محله سعدآباد از ضد عفونی کردن معابر و مساجد محله خبر داد. به گزارش شهرآرامحله، مرضیه بلدی به اعلام این خبر بیان کرد: در راستای توجه به بهداشت و سلامت شهروندان و همچنین پیشگیری از شیوع ویروس کرونا از ابتدای سال تاکنون چندین بار معابر شهر به ویژه در محله سعدآباد و همچنین مساجد آن ضد عفونی شده است.

● توزیع ۱۰۰ بسته ماسک در مساجد

او با اشاره به اهمیت استفاده از ماسک در شرایط کنونی گفت: تاکنون تعداد ۱۰۰ بسته ماسک در مساجد محله سعدآباد توزیع شده است تا به نمازگزاران اهدا شود و این گونه آن ها را به استفاده از ماسک تشویق کنیم. این نماینده بر توجه به دستورالعمل های بهداشتی تأکید کرد و توضیح داد: آموزش در زمینه رعایت نکات بهداشتی و فرهنگ سازی در این زمینه بسیار اهمیت دارد و نباید بدون توجه از آن عبور کرد. ماسعی کرده ایم در این راستا نیز قدم برداریم. بلدی به ادامه بیان کرد: به همین منظور بروشورهای آموزشی تهیه کرده و در مساجد نصب شده است تا از این طریق توجه به بهداشت و رعایت دستورالعمل ها را به مردم اطلاع رسانی کنیم. ضمن اینکه در کنار اهدای ماسک به نمازگزاران آموزش در این زمینه هم انجام می شود.

● توزیع بسته های غذایی

نماینده مساجد شورای اجتماعی محله سعدآباد خاطر نشان کرد: بیماری کرونا شرایط بسیاری از خانواده ها را دچار مشکل کرده و به آن ها آسیب رساند. به همین دلیل وظیفه انسانی ما حکم می کند به این افراد کمک کنیم. او ادامه داد: در این راستا از ابتدای سال تاکنون حدود ۲۰۰ بسته معیشتی شامل قند، برنج، روغن، خرما، گوشت، ماکارونی و... با همکاری خیران تهیه شده و با کمک هیئت امنای مساجد در میان خانواده های آسیب پذیر محله توزیع شد. همچنین ۲۰۰ پرس غذای گرم به نیازمندان اهدا شده است. بلدی به مشارکت رادر پیشبرد برنامه ها تأثیرگذار دانست و یادآور شد: تمامی این فعالیت ها توسط بسیج مساجد سعدآباد و همکاری شورای اجتماعی محله انجام شده است. به طور قطع مشارکت در کار به انسجام آن کمک می کند. او خاطر نشان کرد: کرونا مشکلاتی را ایجاد کرد که این مشکلات با توزیع بسته های غذایی برطرف نمی شود بلکه باید کاری اساسی انجام داد. خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار می تواند راه حل خوبی باشد.

● ایجاد بازارچه دائمی

بلدی به ادامه یادآور شد: این بانوان توانمند هستند. به همین دلیل ایجاد بازارچه های دائمی محلی می تواند به درآمدزایی آن ها کمک کند تا محصولات دست ساخته خود را بفروشند. برای این کار تمام ارگان ها مانند شهرداری، سپاه و بسیج باید پای کار بیایند و با یکدیگر همکاری کنند.

محلات منطقه ۲:

۱: حمد آباد، بهشت، راه‌نمایی، فلسطین سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان (عج)، سعد آباد شهید کلاهدوز، گوهر شاد

۲: زرخش، شهرک شهید مطهری شهیدقلی، نوده، توس، مهدی آباد، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، ایثارگران، شفا، قدس، ابوطالب، هنور، مطهری، سمنقند، آیت... عبادی، عامل، جانباز، شهید فرامرزی عباسی و بهاران

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۲: محبوبه فرامرز
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱: ۳۸۴۸۱۶۵۵
تلفن شهرآرا محله منطقه ۲: ۳۷۱۳۷۵۶۷

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۰-۵
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دفتر مرکزی روزنامه شهرآرا: میدان شهدا، نبش دانشگاه یک
دفتر منطقه ۱: روبروی مجد ۳۷ - فرهنگسرای انتظار
دفتر شهرآرا محله منطقه ۲: میدان فهمیده، پارک پردیس، ساختمان اداره فضای سبز
پست الکترونیک: mahalle1@shahrara.ir
mahalle2@shahrara.ir
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraraneews.ir

کوچه شهید موسی رحیمی

محله نوده - منطقه ۲

ورود به قلعه اربابی

اینجا قرار داشت که ورود و خروج به آن از همین کوچه موتور آستانه قدیم و نجف ۳۰ فعلی بوده است. بعد از شهادت شهید موسی رحیمی که از ساکنان این کوچه بود شهرداری این کوچه را به نام شهید موسی رحیمی نام گذاری می‌کند.

کوچه شهید موسی رحیمی که در گذشته به دلیل قرارگرفتن زمین‌ها و موتور آب آستانه معروف به کوچه موتور آستانه بود، هسته اصلی نوده سفلی (پایین) را تشکیل می‌دهد. به گفته اهالی صدسال قبل دو قلعه اربابی در



علی اکبر قدوسی متولد سال ۱۳۳۵ با بیش از ۴۵ سال سابقه قدیمی ترین مغازه‌دار این کوچه است.

موسی رحیمی متولد سال ۱۳۳۴ است. او سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.



مسجد چهارده معصوم (ع) چند سال قبل در محل مسجد قدیمی ساخته و بازسازی شده است.

بخشی از مسیر این کوچه با دیوارهای بلند و سیم‌های خاردار زمین‌های آستان قدس محصور شده است.

